



اختلافات ما و مسئله انشعاب

مادر شماره‌های گذشته کار "ویژه مسائل حاد و مبرم جنبش ما" اهمیت مبارزه ایدئولوژیک علنی را برای جنبش کمونیستی ایران و تیـزارش آنرا برای سازمان ما که در آن دو خط مشی اساسا "متفاوت و متضاد" به مبارزه برخاسته و شرایط خود ویژه‌ای را از نظر بحران داخلی بوجود آورده بودند، بطور اخص متذکر شدیم.

اینک پس از اعلام انشعاب توسط کمیته مرکزی و متعاقبا انتشار بیانیه‌ها، از زاویه دیگری بمساله فوق و نیز شیوه برخورد دو جناح می‌نگریم.

همانگونه که در قبل نیز اعلام داشته ایم مبارزه درون سازمانی ما، از آنجا که در مورد اساسی ترین مسائل سیاسی، بحادترین شکل خود بروز یافته بود، انعکاس شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط بحران سیاسی ایستگانه تنهاتئوری و پراتیک سازمان ما بلکه تمام فعالیت جریانهای سیاسی موجود را نیز بخود وابسته و مشروط کرده است.

اگرچه شیوه‌های برخورد دو جناح نسبت به مسائل مورد اختلاف مطلبی ایستگانه هر دو دار سازمان و هر فرد کمونیست که به سرنوشت آن علاقمند بوده و خواهان شرکت فعال در تعیین موقعیت آینده آن می‌باشد، باید بطور مستقل به آن بپردازند، اما خطای بزرگی است هر آینه این بررسی بدون در نظر گرفتن هویت سیاسی ایدئولوژیک دو جناح و مفهوم طبقاتی مبارزه میان آنان انجام گیرد. همه مشخصات اصلی اختلافات بین ما و جناح مخالف حاکی از آن است که علی‌رغم نیت و مقصودهای نهائی یکدردیشت نظریات سیاسی مختلف نهفته است مبارزه‌ای بین دو تفکر و روشی سیاسی جریان یافته است که هر یک از این دو سمت گیری طبقاتی معینی را در خود می‌پروراند.

برخی چنین تصویری کنند که روند اختلاف نظر ها جنبه تصادفی داشته و یا مربوط به اختلاف نظرهای کوچکی می‌باشد که بر اثر سوء تفاهات، روابط بین دو طرف را به جدائی کشانده است. و یا آنکه بعلت طرز تفکر انحرافی جناح ایپورتونیست این توهم پدید آمده است که گویا اختلافات ما و آن عامل تعیین کننده‌ای که منجر به جدائی دو جناح بقیه در صفحه ۲

ایپورتونیسم راست خطر عمده جنبش کمونیستی

ما اکنون لحظات حساس و دشواری را از سر می‌گذرانیم، لحظاتی که برای جنبش کمونیستی و جنبش توده‌ای نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. امروز وظیفه نیروهای انقلابی از هر لحاظ دشوارتر از هر زمان در ما اکنون لحظات گذشته است. این وظیفه هم در قبال طبقه کارگر و توده‌های مردم است و هم در مقابل با ایپورتونیست‌های "نوپائی" که جنبش طبقه کارگر از سوی آنها تهدید می‌شود. دشواری وظیفه ما در مبارزه با ایپورتونیست‌ها بی‌شک است که با چهره‌ای بزرگ کرده و ناشناخته در صفوف جنبش کمونیستی رخنه کرده‌اند. اگر در گذشته شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه اجازه نمیداد که ایپورتونیسم راست سر بلند کرده و عرض اندام کنند و آنها در هر شکل و شمایل خود شناخته شده بودند، امروز ایپورتونیسم راست با رنگ و لعاب تازه و با چهره‌ای ناشناخته در صفوف جنبش کمونیستی رخنه کرده است و بی‌شک شناسختن آن در شکل نوین اش کاری است بس دشوار.

سازش طبقاتی: سیاست حزب توده

"اختلافات تاکتیکی اصلی در جنبش کارگری کنونی اروپا و آمریکا را میتوان به مبارزه علیه دوگرایش بزرگ منحرف شده از مارکسیسم - که در حقیقت تئوری مسلط این جنبش است - خلاصه کرد. این دوگرایش رویزیونیسم (ایپورتونیسم، فرمیسم) و آنارشیزم (آنارکوسندیکالیسم، آنارکو سوسیالیسم) می‌باشد ولی این انحراف از تئوری و تاکتیک مارکسیستی که در جنبش کارگری مسلط است، به اشکال مختلف و در زوایای گوناگون در همه کشورهای ستمدن و در خلال بیش از نیم قرن تاریخ جنبش کارگری توده‌ای دیده میشود." (اختلافات در جنبش کارگری اروپا و آلمان جلد ۱۶ مجموعه آثار ص ۳۴۷)

جنبش کارگری ایران نیز اساسا "از همین دو انحراف رنج برده و میرد و هدف مادر این نوشته (که به انحرافات جنبش کارگری ایران پس از قیام بهمن ماه می‌پردازد) بررسی سیاستهای حزب توده بمثابه نسخه‌ی بدیل رویزیونیسم بقیه در صفحه ۶

در باره مسائل حاد و مبرم جنبش ما

بیانیه
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در باره اطلاعیه اخیر اکثریت کمیته مرکزی در صفحه ۸

نمونه‌ای از برخوردهای "کمیته مرکزی"
در صفحه ۸

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک

اختلافات ما و ...

بقیه از صفحه ۱

گردیده مربوط به اختلافات بر سر ارزیابی مصلحانهای است که در گذشته خط حرکتی سازمان را تعیین میکرد. در حالیکه چنین نیست. رشد و تکامل اختلاف بین دو خط مشی بر سر مبارزه طبقاتی و در ارتباط تنگنا و مستقیم با آن صورت پذیرفته است. امروز مسئله ای که اساساً "سبب جدائی کامل" این دو خط مشی شده است همانا ... منافع طبقه کارگر، منافع جنبش مقاومت خلق کرد و برکمن و ... منافع دهقانان و توده های زحمتکش و ستمدیده میهن ماست. آری امروز جدائی ما بر سر تعیین دوستان و دشمنان طبقه کارگرو نشان دادن آن بتوده هاست. مسئله بر سر تربیت سیاسی، شکل و هدایت توده ها است مسئله بر سر انتخاب و درپیش گرفتن تاکتیک و برنامه کمونیستی از یک سو و گریز خط مشی اپورتونیستی و دامن زدن به توهم توده ها و دنباله روی از جنبش خود بخودی از سوی دیگرست. اما زهیران جناح اپورتونیست آنرا درک نمی کنند و یا نمی خواهند درک بکنند و این نمونه بارز اپورتونیسم است. هر خواننده ای ملاحظه کرده است که آنها در اظهار نظر خود نسبت به اقلیت نهایت، ابهام و عدم صراحت را در توضیح اختلافات عمده بین دو جناح و رابطه بین آن با شدت گیری مبارزه طبقاتی انقلابی و ضد انقلابی در ایران بکار برده اند. آنان که در مقاله خود هم در مورد مشی گذشته و هم در مورد برخی مسائل جهانی به بیان نظرات خود پرداخته اند کمتر تمایل نشان داده اند که صراحتاً "در مورد مسائل مبرم و حاد جنبش ماسخن بگویند. علت آن برای ما روشن است، اما شاید این موضوع برای بسیاری از نیروها نیکه صمیمانه و بدون غرض، مسائل ما را دنبال می کنند، بحد کافی مشخص نشده باشد. بنابراین ضروری است که یکبار دیگر آنرا خاطر نشان سازیم.

قبلاً گفتیم که یکی از مولود مهم اختلاف بین دو جناح در پلنوم و بعد از آن، مساله روشن پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی بود. استکفاج جناح اپورتونیست، از برداختن به مبارزه ایدئولوژیک حول محور تاکتیک و برنامه و منحرف کردن مبارزه ایدئولوژیک به بررسی مسائل فرعی و غیر مبرم و در نتیجه سوق دادن کل سازمان به دنباله روی و اطاعت از جنبش خود بخودی یکی از وجوه مشخصه اپورتونیسم در این دوره از حیات سیاسی سازمان بوده است.

این سیاست که با ماهیت اپورتونیسم راست از مدت ها پیش بر سازمان تسلط پیدا کرده بود موجب آن شد که سازمان بهمان میزان که از نظر تشکیلاتی گسترش پیدا میکرد از سوی دیگر از لحاظ کیفیت سیاسی و آموزش ایدئولوژیک بطور قابل ملاحظه ای دچار افت شده و بر سر تزلزل ایدئولوژیک سیاسی، حاملین گرایشهای روبریونیستی و سازشکارانه موقعیت خویش را هر چه بیشتر مستحکمتر سازند.

مواضع سازمان در بعد از جریان اشغال سفارت امپریالیزم آمریکا را بخاطر آورید. روش "کمیته مرکزی" (می گوئیم "کمیته مرکزی" زیرا هر عضو سازمان در این مدت شاهد آن بوده است که اساساً "کمیته مرکزی" در کلیه امور اساسی و مهم بطور خود سرانه و بدون رعایت اصل سانترالیزم دموکراتیک تصمیم گیری کرده است) در بر خورد با جریانهای لیبرال و حزب جمهوری اسلامی یعنی اصلی ترین نیروهای حاکم چگونه بوده است؟ آیا این روش چیزی جز نواقضی "گاه نگاه" بالیبرالها و یا حزب جمهوری اسلامی بوده است؟ چنین نواقضی مبتنی بر

چرا و کدام ارزیابی طبقاتی از جریانهای مذکور بوده است؟ واقعیت آنست که روش "کمیته مرکزی" پیش از آنکه بر بنیاد ارزیابی و تعیین ماهیت و تعلق طبقاتی جریانات مذکور استوار باشد، بمیزان قدرت و اتوریته آنان در دستگاه دولتی بستگی داشته است. عملکرد کمیته مرکزی نشان میدهد که قدرت و اتوریته، تعیین کننده ماهیت طبقاتی جناحهای حاکمه مذکور بوده است و نه تحلیل روابط عینی طبقات و تعیین ماهیت جریانهای سیاسی در شرایط معین مبارزه طبقاتی.

سیاست رفقا در مورد مبارزه ضد امپریالیستی چه بوده است؟ در این مورد نیز دید محدود آنان مانع آن بوده است که یک چشم انداز دراز مدت تاریخی از مبارزه ضد امپریالیستی ترسیم کنند. این دید محدود و آرنج ناشی میشد که آنان قادر به درک مفهوم طبقاتی جنبش ضد امپریالیستی نبودند. آنها عملاً از این ترغیبات انحرافی و ناصحیح که گویا انقلاب دموکراتیک ملی به پیروزی رسیده است جیرا "به این نتیجه میرسد که نباید مبارزه ضد امپریالیستی را با مبارزه علیه لیبرالها و حوزب جمهوری اسلامی در آمیخت زیرا مبارزه علیه امپریالیسم صرفاً با مبارزه علیه پاندهائی نظیر "بختیار اویسی" و نوکران مستقیم و غیره خوار "سیا" خلاصه میشود، یعنی همان کسانی که در کردستان جنگ افروزی کرده و با اصطلاح خرمشهای دهقانان را آتش می زنند و مانع بالارفتن تولید و کار منظم کارگران هستند! اینست منطق اپورتونیسم یعنی کاریکاتسوری از مارکسیسم. اینست سیاستی که عملاً "در خدمت بسوزروازی قرار میگردد.

اگر بخواهیم تنها با اشاره به موارد اختلاف آنرا فرموله کنیم چنین خواهد بود: اکثریت کمیته مرکزی مبتکر شعار "حاکمیت خلق" بود و حمایت از دولت بازگان را تبلیغ و ترویج میکرد. در حالیکه ما با هر دوی اینها مخالفت داشتیم. اکثریت کمیته مرکزی در پلنوم از اینکه ما با نام سازمان در کنار خلق کرد بجنگیم و در سنگر مقاومت خلق قرار گیریم واهمه داشتند (و امروز بطور کلی جنگ مقاومت خلق کرد را محکوم می کنند)، ما قطعاً و با اراائه تحلیل مشخص معتقد بودیم و هستیم که با یباز مبارزه عادلانه، خلق کرد دفاع کرد.

این رفقا به طبقه کارگرو توده های زحمتکش اعتقاد ندارند و می خواهند مبارزه را از طریق بندوبست با این یا آن جناح حاکمیت به پیش ببرند در حالیکه ما اعتقاد داریم باید اساس فعالیت خود را بر بنیاد سازماندهی و رهبری آگاهانه جنبش طبقه کارگرو خلقهای تحت ستم ایران نهاد.

این رفقا بطور کلی خط بطلان بر روی کل گذشته کشیده اند و بدون تحلیل مشخص، سازمان را در گذشته جریانهای ماهیتاً "خرده بورژوازی ارزیابی می کنند، ما بر مبنای تحلیل مشخص گذشته را به نقد می کشیم و ضمن روشن نمودن انحرافات گذشته، بردسناوردهای انقلابی آن تکیه می کنیم و آنرا درون جنبش کمونیستی میدانیم.

رفقای مرکزیت همانطور که نشان دادیم به امر مبارزه ایدئولوژیک (علیرغم تاکید ظاهری بر آن) عملاً "اعتقادی ندارند و میخواهند مسائل در "بالا" و بین چند نفر حل و فصل شود و اینرا تجربه ۷ ماهه پس از پلنوم بروشنی آشکارا ساخته است، در صورتیکه ماهواره بر مبارزه ایدئولوژیک بشکل دموکراتیک تکیه کرده ایم و یگانه راه حل صحیح برای اختلافات موجود را مبارزه ایدئولوژیک و اتکا به توده های سازمانی می دانیم. و عمل ما نیز صحت گفتارمان را به ثبوت رسانده است و ما پس از پلنوم توانستیم گامهای اساسی در این جهت برداریم. اینها در نظر نظریات مدون و منسجم که کلیه رفقای اقلیت آگاهانه در این دفاع می کنند، دست یافته ایم و برخلاف گنجی که در گذشته نداشتن برنامه و دید روشن مرکزیت نسبت به مواضع و سیاست

کار

کنونی و تحلیل گذشته، دارای تحلیل مشخص از گذشته و چشم انداز روشن نسبت به آینده هستیم، نظریاتی که نه نتیجه کار چند رفیق بلکه محصول کار جمعی و تلاش کلیه رفقای اقلیت می باشد. - رفقا در باره راه حل بحران و مضمون مبارزه ایدئولوژیک به "مبارزه ایدئولوژیک در وجه تجریدی" و مسئله "بازگشت به اصول" تاکید می کردند، ولی رفقای اقلیت با تاکید بر ضرورت دست یافتن به وحدت اصولی، به مبارزه ایدئولوژیک حول مبرمترین مسائل معتقد بودند.

- اکثریت رفقای مرکزیت برای حاکمیت کونی ماهیتی خرده بورژوازی قائلند در حالیکه ما اساساً آنرا پارای ماهیتی بورژوازی میدانیم.

- رفقا روحانیت نماینده خرده بورژوازی سنتی مرفه در حاکمیت را متحد طبیعی کمونیستهای ما دانند، حال آنکه ما آنرا نیروی میدانییم که با بورژوازی سازش کرده است.

- رفقا میگویند گمهای این جناح از روحانیت در جهت منافع واقعی خرده بورژوازی میشوند، ما میگوئیم واقعیتهای مبارزه طبقاتی با توجه به سازشی که صورت گرفته شرایطی را فراهم آورده است که، این دگمها به نفع بورژوازی به فراموشی سپرده خواهد شد.

- رفقا در امر تشکیلات نیز گمان میکنند که بدون تجهیز به سیاست صحیح و انقلابی و مبتنی بر اصول لنینی با توسل به بوروکراتیسم و پانده بازی میتوان سازمان را حفظ کرد. ما اعتقاد داریم که ستون اصلی برای حفظ استحکام یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی تنها و تنها وحدت ایدئولوژیک سیاسی و سیاست تشکیلاتی کمونیستی و اتکا به سانترالیزم دموکراتیک است.

- رفقا بنا به تحلیلی که از اوضاع دارند، به کار و تشکیلات مخفی بهاء لازم رانمی دهند و بیش از اندازه به کار علنی دل بسته اند. ولی ما ضمن آگاهی به اهمیت و نقش قسوق العادهای که کار علنی در پیشبرد امر مبارزه دارد. اساساً "بر تشکیلات مخفی تکیه میکنیم و به سازماندهی فعالیتهای علنی می پردازیم.

و ... بی شک کسی که رابطه دیالکتیکی مقولات و پدیده ها را تشخیص دهد و بتواند خاص را در عام و عام را در خاص ببیند، بخوبی میتواند دریابد که این اختلافات با زتاب دوینش کاملاً متفاوت است که یکی جوهر انقلابی مارکسیزم را در خود دارد و دیگری فاقد چنین جوهریست.

وبالاحسن نیست نگاه هر چند گذرا به سیاست آنان در قبایل نیروهای درونی جنبش کمونیستی ایران بیاندازیم و ببینیم "کمیته مرکزی" این زمینه چهره روشی را در پیش گرفته است. موضع گیری آنان خصوص در جریان انتخابات "مجلس شورای ملی" و مبارزات اخیر دانشجویی بخوبی بیانگر دوری آنان از شیوه برخورد مارکسیستی - لنینیستی است.

مضحک و خنده آور است وقتی که بگوئیم مهمترین ممالک و معیار تعیین کننده در چگونگی برخورد با اینگونه جریانات، میزان "پایه توده ای" بوده است. این رفقا بجای تحلیل طبقاتی و مشخص ساختن موضع و ماهیت طبقاتی و محتوی و خلصت سیاستهایی که توسط جریانهای مذکور در پیش گرفته شد، تحت عنوان گروهکهای فاقد پایگاه و نفوذ توده ای هرگونه پشتیبانی و حمایت از هر یک از آنان را غیر مجاز دانستند.

"کمیته مرکزی" بجای آنکه ایده پشتیبانی یا عدم پشتیبانی را بر معیارهای لنینی استوار سازد، راه حزب توده را در این زمینه برگزیده و در توضیح سیاست انتخاباتی، بدون اتکا به استدلال و توده های سازمانی و بدون احساس هیچگونه مسئولیت در مقابل جنبش طی مقالاتی بعوض استدلال بقیه در صفحه ۳

مبارزه ایدئولوژیک علنی گامی است در جهت وحدت جنبش کمونیستی

اپورتونیسیم راست

بقیه از صفحه ۱

اپورتونیسیم تاریخی حزب توده و خط مشی آن شکست کامل خورده و فاقد هرگونه اعتباری بوده، امروز با گرویدن جناحی از سازمان برهبری کمیته مرکزی "به خط و مشی حزب توده، اپورتونیسیم راست خطر عمده‌ای برای جنبش طبقه کارگر محسوب می‌گردد.

اگر نتوانیم در شرایط کنونی، علل اجتماعی و سیاسی رشد اپورتونیسیم راست را بررسی نموده و در یک مبارزه حاد و بی‌امان نقطه نظرات و مواضع انحرافی این جریان اپورتونیسیتی را که جنبش طبقه کارگر را به گمراهی و سازش با بورژوازی سوق می‌دهد، افشا کنیم، هر آینه نتوانیم در این مبارزه آنها را بی‌اعتبار و در شرایط کنونی چیست

و چرا آنرا خطر عمده‌ای برای جنبش کمونیستی ایران می‌دانیم. اساساً "اپورتونیسیم نفوذ ایدئولوژی و

بقیه از صفحه ۲

سازیم، نخواهیم توانست وظایف انقلابی خود را در قبال طبقه کارگر و توده‌های مردم بنخوس مطلوب انجام دهیم. بنا بر این ما وظیفه، مبرم خود و کلیه ما رکیست-لنینیستهای انقلابی را مبارزه ایدئولوژیک بی‌امان علیه این خطر عمده که جنبش کمونیستی و کارگری ایران را تهدید می‌کند می‌دانیم و ایمان داریم در این مبارزه بیاری کلیه کمونیستهای انقلابی اپورتونیسیم راست را در سطح جنبش منفرد خواهیم ساخت.

ما در این مقاله می‌کوشیم صرفاً "به این مسئله بپردازیم که علل اجتماعی و سیاسی رشد اپورتونیسیم راست در شرایط کنونی چیست

اقتدار خرده بورژوازی و نیز تاکتیکهای طبقه حاکم و... به اشکال مختلف در جنبش کمونیستی بروز می‌کند. زمانی این

ناشی از خواست، اراده و یا تمایلات افراد بخصوص نیست بلکه ریشه آنرا باید در شرایط اقتصادی اجتماعی و سیاسی جستجو

در گذشته تاکتیک سرکوب و اختناق و توسل بشیوه قهر آمیز حکومتی از جانب طبقه حاکم یکی از عواملی بود که چپ روی را در جنبش پدید آورد و ما تحلی آنرا در پیرامون به نقش، دیکتاتوری، کمبها دادن به وضعیت عینی موجود، چگونگی اتخاذ تاکتیکها و... دیدیم، و امروز نیز تغییر تاکتیکهای هیئت حاکمه که در پاره‌ای موارد تلاش می‌کند که بشیوه‌های با صلاح لیبرالی، سازمانهای کمونیستی را بدنبال خود بکشاند، انحراف برآورد است.

... بنا بر این درجا مع ما رشد نیروهای مولده و تکامل اقتصادی نسبت به جوامعی که مسیر کلاسیک تکامل سرمایه داری را طی کرده‌اند در سطح پائینی قرار دارند نتیجه این امر در کمیت پائین پرولتاریای صنعتی نسبت به کل کارگران و نیز گستردگی خرده بورژوازی است و این خود یکی از زمینه‌های عینی بسیار مناسب برای نشوونمای انحرافات در جنبش کمونیستی و گرایشات متناقض و بی‌ثبات نسبت به سوسیالیسم است

بورژوازی و خرده بورژوازی (یا بطور کلی ایدئولوژی‌های غیر پرولتری) در درون جنبش طبقه کارگر است.

اپورتونیسیم بسته به مجموع شرایط حاکم بر جامعه یعنی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، موقعیت طبقه کارگر از جهت کمی و کیفی نقش و موقعیت اقتدار و طبقات دیگر بویژه

ما انحرافات برکدام زمینه‌های عینی قرار دارند و منشأ پیدایش و رشد آنها در کجاست پیش بقیه در صفحه ۴

کرد. شرایطی که زمینه بروز انحرافات را فراهم می‌کنند و باعث می‌شوند که "مدا" آن‌ها میان جنبش کارگری پدید آیند که

مواضع هنوز در سطح تشکیلات تبلیغ و ترویج نشده است، عمل مسئول نشریه کار اقدام ضد تشکیلاتی محسوب می‌گردد. اما جالبست که بگوئیم چند روز بعد در جریان مذاکره با بهشتی که از موضع برانگیز راست روانه تری صورت گرفته بود هیچگونه نظر خواهی قبلی از تشکیلات صورت نگرفته بود! در چنین اوضاعی کمیته مرکزی در گفتار مجبور به پذیرش مبارزه ایدئولوژیک در زمینه نشریه کار شد اما در کردار با نقض قراردادهای مورد توافق عملاً "به نفعی آن پرداخت. کمیته مرکزی در مقاله‌ای تحت عنوان "نظر سازمان نسبت به اقلیت" از خود بانام سازمان یاد کرد و علاوه بر تغییر محور مبارزه ایدئولوژیک کوشید تا به سمت انحرافی سوق دهد. سپس با جلوگیری از ادامه انتشار آن و تنها با تغییر تیتر مقاله و با انتشار مجدد آن بی‌عمل فرمالیستی برای محق جلوه دادن خود دست زد آنها اکنون مدعی آنند که حاضر به پذیرش عنوان "اکثریت" در مبارزه ایدئولوژیک علنی بوده و ما را مستم به انشعاب طلبی می‌کنند اما عمل آنان نادرستی گفتارشان را اثبات می‌رساند.

"نبرد خلق" برای مبارزه ایدئولوژیک تن داد، ولی مایس روی پلمیکهای سیاسی در نشریه "کار" اصرار ورزیدیم. آنها از انتشار وسیع و سریع نقطه نظرات اقلیت اجتناب کرده و آنرا انشعاب طلبی و انحلال‌گری نامیدند آنها همواره این ایده، لنین را فراموش می‌کنند که گفت: "البته انحلال طلبی بوسیله یک رشته ارتداد مسلکی با روی بر تافتن از بر تاسه و تاکتیک با اپورتونیسیم مربوط است.

(لنین مسائل مورد مشاجره)

آنها در حالیکه در یکسال گذشته از مبارزه ایدئولوژیک حول بر تاسه و تاکتیک روی بر تافتند و ذهن توده‌های سازمانی را به مسائل مربوط به مشی گذشته سازمان مشغول داشته و خود به رواج ایده‌های اپورتونیسیتی در سطح جنبش پرداخته بودند، ما را متهم به انحلال طلبی می‌کردند... ما چنین اتهاماتی را مردود دانسته و با تکیه بر تجارب جنبش سوسیال دموکراتیک روسیه و حقوق دموکراتیک اقلیت چنین استدلال می‌کردیم که اگر مرکزیت حقیقتاً "در ارائه نظرات خود بر پشتیبانی توده‌های سازمانی منکیست و اگر در پیروزی آن بر نظریات اقلیت اطمینان دارد، هیچ دلیلی که بخواد طرفه رفتن آنرا از مباحثات ایدئولوژیک نشریه "کار" توجیه کند، وجود ندارد.

در گرما گرم کت و فوسرها، انتشار کار ۵۹ (اعتراضات وسیعی را در سطح تشکیلات برانگیخت. اینک در هنگامیکه بحران حتی در میان اکثریت نموده‌های با زری یافته بود، کمیته مرکزی سعی کرد تا آنرا (مبارزه) ایدئولوژیک علنی بین دو جناح (را) خواستی بسیار معقول و قابل پذیرش و نمود کرده اما از سوی دیگر با ایجاد فضای مسموم علیه اقلیت نهایت کوشش خود را برای جلوگیری از پیشبرد اصولی مبارزه ایدئولوژیک بکار برد. در چنین شرایطی کمیته مرکزی با انتشار نامه‌ای در سطح تشکیلات به استناد از مسئول نشریه کار پرداخت. مضمون نامه عبارت از این بود که: اگر چه مضمون و مواضع اتخاذ شده در کار ۵۹ مورد تأیید کامل کمیته مرکزی است لکن به لحاظ آنکه این

اعلام انشعاب در "اطلاعه" کمیته مرکزی جهت مقابله با علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک، بدون کوچکترین گفتگو و مذاکره بی‌انگرم صداقت و بکارگیری تاکتیکهای زیرکانه از جانب کمیته مرکزی است.

آیا این معنائی جز "نقض وحدت در برده" فریادهای وحدت طلبی "می‌تواند داشته باشد؟ مسلماً "پاسخ منفی است.

توضیح و تصحیح:

در "کار" شماره ۶۲، در مقاله اپورتونیسیم و علل... بجای "با خلق سلاح نمودن نیروهای سرکوب ضد خلق مسلح گشتند..." اشتباهاً "با خلق سلاح نمودن نیروهای سرکوب ضد خلق گشتند..." چاپ شده بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

اختلافات ما و...

بقیه از صفحه ۲

مارکسیستی به عبارتی بدون محتوایی معنا چنگ انداختند. در آلمان ما بعنوان اقلیت، بدون آنکه ارتباط و پایه توده‌ای با کارگران و زحمتکشان را بعنوان یکی از ملاک‌های تعیین سیاست رد کرده باشیم، مضمون این آموزش لنینی را بعنوان پایه مخالفت خویش عنوان نمودیم که: "البته اینکه فلان حزب، واقعا "حزب سیاسی کارگران است یا نه، صرفاً به عضویت کارگران بستگی ندارد، بلکه به کسانی که آنرا رهبری می‌کنند و مضمون فعالیتها و تاکتیکهای سیاسی آن نیز بستگی دارد. فقط همین شاخص اخیر نشان می‌دهد که آیا ما حزب سیاسی پرولتاریا را بر کار داریم یا نه."

(لنین. سخنرانی در باره پیوستن به حزب کارگر بریتانیا جنبش بود ارتباط مستقیم و بلاواسطه اختلافات درونی ما و رشد مبارزه طبقاتی.

بعد از یلنوم و سپس بعد از زیر پانهادن مصوبات پلنوم توسط مرکزیت و حرکات خود سرانه مرکزیت، بطور اجتناب ناپذیری دوری روز افزون دو جناح از یکدیگر آغاز شد. گرایش به راست روی در میان آنها قوت بیشتری یافت و بهمان میزان یافتاری ما برای علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک شدید تر شد. کمیته مرکزی پس از مدت‌ها بحث روی پلمیکهای سیاسی و انتشار اختلافات ایدئولوژیک و عدم قبول آن، بالاخره تحت فشارهای تشکیلاتی و بنا به گفته خود بدلیل "مجموعه عوامل" عقب نشینی کرد، اما سعی نمود بطرز زیرکانه‌ای نشریه سیاسی سازمان را از مبارزه ایدئولوژیک بدور نگه دارد و سپس از تمامی راههای متعدد و تعدید زمانه‌های تغییر شده تنها به پدید

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

ایورتونیسیم راست

بقیه از صفحه ۳

گرایشات متناقض و بی ثبات نسبت به سوسیالیسم است. کمیت پائین پرولتاریای صنعتی و جوان بودن طبقه کارگر بطور کلی، از جمله مواردی است که امکان بروز انحرافات را در جنبش کارگری دوچندان می کند. بخصوص با پدید آمدن واقعیت را در نظر گرفت که بخش عظیمی از کارگران ایران آنه پرولتاریای صنعتی بلکه کارگرانی هستند که اکثرا "در بخش

از هر چیز باید به زمینه های اقتصادی - اجتماعی بروز انحرافات پرداخت از آنجائی که ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه ما سرمایه داری وابسته است، برخلاف جوامعی که سرمایه داری بشکل کلاسیک در آنها رشد کرده است، مسلط شدن مناسبات سرمایه داری، همراه با گسترش همه جانبه نیروهای مولده، و صنعتی شدن همه جانبه جامعه نیست.

خرده بورژوازی که یکی از کانونهای اصلی خطر برای جنبش کارگری است. بخاطر خصوصیات طبقاتی و محافظه کاری خود، امروز یکی از سرچشمه های اصلی بروز رشد فرمیسم در جنبش کمونیستی ایران است.

خدمات و یا کارگاههای کوچک مشغول بکارند. کارگران ما که عمدتاً "منشاء دهقانی و یا خرده بورژوازی شهری دارند، هنوز بطوری وسیع فرهنگ و خصوصیات کارگری را کسب نکرده اند و ذهنیت خرده بورژوازی بر آنها حاکم است. در نظر گرفتن این کیفیت طبقه کارگر با توجه به گستردگی خرده بورژوازی در جامعه ما بخوبی خطر عظیمی را که از جانب خرده بورژوازی متوجه جنبش کارگریست نشان می دهد. خرده بورژوازی که یکی از کانونهای اصلی خطر برای جنبش کارگری است، بخاطر خصوصیات طبقاتی و محافظه کاری خود، امروز

این مسئله از ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه، از وابستگی سیستم اقتصادی، عدم تغییر و تحولات بنیادی شیوه های انقلابی، ناشی می شود. بنا بر این در جامعه ما رشد نیروهای مولده و تکامل اقتصادی نسبت به جوامعی که مسیر کلاسیک تکامل سرمایه داری را طی کرده اند در سطح پائینی قرار دارد نتیجه این امر در کمیت پائین پرولتاریای صنعتی نسبت به کل کارگران و نیز گستردگی خرده بورژوازی است و این خود یکی از زمینه های عینی بسیار مناسب برای نشوونمای انحرافات در جنبش کمونیستی و

یکی از سرچشمه های اصلی بروز رشد فرمیسم در جنبش کمونیستی ایران است. لنین هنگامیکه سرمنشاء فرمیسم را در روسیه توضیح می دهد، مینویسد:

حاکمیت می گیرد، از پیروزی انقلاب دمکراتیک ملی دم میزند، جنبش را به دنبال هر وی از این یا آن بخش حاکمیت می کشاند، بیک دوران آزادی و دمکراسی

ضعیف کمونیستی برجای گذارد و گرایشات فرمیستی را در درون آن تقویت کرد. این مسئله بویژه هنگامی شدت یافت که با قیام بحسهای

گذشته از وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه بطور کلی شرایط اجتماعی و سیاسی پس از قیام نیز تاثیر خود را در قلمرو تئوری و تاکتیک سازمان ها و گروه های کمونیستی در جهت انحراف برآست، برجای گذاشت.

در کشور ما فرمیسم همزمان از دو منشاء سرچشمه می گیرد، در اول روسیه از هر کشور اروپائی خرده بورژوازی

دل خوش می کند، و تسلیم طلبی و سازشکاری را پیشه خود می سازد.

گذشته از وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه بطور کلی، شرایط اجتماعی و سیاسی پس از قیام نیز تاثیر خود را در قلمرو تئوری و تاکتیک سازمان ها و گروه های کمونیستی در جهت انحراف برآست، برجای گذاشت.

جنبشی که در غیاب صف مستقل طبقه کارگر و یک سازمان

تراست بنا بر این کشور ما بیش از همه، افراد، گروهها و گرایشاتی را پدید می آورد که با گرایش، متناقض، بی ثبات و نوسانی شان نسبت به

از روشنفکران به امید پیروزیهای نخستین به سازمانها و گروههای کمونیستی بویژه سازمان ما پیوستند. اما امروز هر آنچه شرایط دشوارتر می شود و هر چه ضدا انقلاب سلطه خود را بیشتر مستقر می سازد، گرایشات راست و محافظه کارانه آنها بیش از پیش خود را نشان می دهد. تجربه جنبش کمونیستی بمانی آموزد که پس از شکست هر انقلاب، جنبش

تجربه جنبش کمونیستی بمانی آموزد که پس از شکست هر انقلاب، جنبش کمونیستی با مرحله ای سخت و دشوار روبرو می شود و گرایشات محافظه کارانه و فرمیستی در سازمانهای کمونیستی بروز می کند.

سوسیالیسم مشخص می شوند. (لنین: فرمیسم در جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه) بنا بر این تعجب آور نیست اگر امروز می بینیم که علاوه بر فرمیست های توده ای، در درون سازمان ما نیز گرایشات فرمیستی بروز کرده است که موضع راست و سازشکارانه ای نسبت به

نیرومند کمونیستی پدید آمد، جنبشی که اساساً توده های خرده بورژوا فعالترین نیروهای آن را تشکیل میدادند و رهبری آن در دست محافظه کارترین قشر خرده بورژوازی قرار داشت، و خلاصه جو خرده بورژوازی که سراسر جامعه را فراگرفت، تاثیر خود را بر جنبش

کمونیستی با مرحله ای سخت و دشوار روبرو می شود و گرایشات محافظه کارانه و فرمیستی در سازمانهای کمونیستی بروز می کند. امروز جنبش ما نیز با همین پدیده روبروست، در درون سازمان ما که یکی از نیرومندترین سازمانهای بقیه در صفحه ۵

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اپورتونیسیم راست

بقیه از صفحه ۴

حاکم تا چه حد می تواند منجر به انحراف در جنبش کمونیستی گردد بهتر از هر جای دیگر در جامعه خود ما قابل بررسی است

مارکسیست - لنینیستی ایران است و در بخشهایی از هواداران، گرایشاتی پدید آمده است که به تبلیغ نوعی رفرمیسم می پردازند، فعالیتهای مخفی و سازمان مخفی رانفی می کنند و تنها در راه ایجاد یک سازمان علنی گام بر می دارند. تجلی این انحرافات را می توان بخوبی در شیوه های پاسیفیستی و تلاشهای شبانه روزی "کمیته مرکزی" برای مذاکره و سازش با حاکمیت کنونی یافت. مذاکرات آنها با نمایندگان بورژوازی نظیر بنی صدر، بهشتی و... در جهت قانونی شدن و فعالیت علنی نشان می دهد، که آنها حاضر شده اند، خواستهای بورژوازی را بپذیرند تا بورژوازی لطف کند و حق حیات علنی به آنها بدهد.

اما برای پی بردن به علل انحرافات آنچه که گفته شد کافی نیست باید به تاکتیکهای طبقات حاکم در شرایط مختلف نیز نظر داشت این تاکتیکها که یکی از پایه های تعیین کننده اتخاذ تاکتیکها از جانب ما در شرایط مختلف است میتواند به بروز انحرافات چپ و راست منجر گردد. اینکه تغییر تاکتیکهای طبقات

درون جنبش کارگری مینویسد: "سرانجام یک علت بسیار مهم اختلافات درون جنبش کارگری در تغییر تاکتیکهای طبقات حاکمه بطور اعم و بورژوازی بطور اخص قرار داد... واقعیت

راست گفته ایم، عدم پیوند ارگانیک بین سازمانهای کمونیستی و طبقه کارگر را بیفزائیم و به کمیت وسیع روشنفکران در درون سازمانهای کمونیستی و پائین بودن سطح دانش

خود را توجیه کند، و به بهانه مبارزه با چپ روی های گذشته خط مشی اپورتونیسیتی خود را به نام خط انقلابی جایزند اکنون با توجه به آنچه گفته شد و با گرویدن جناحی از سازمان ما بر رهبری "کمیته مرکزی" بسوی حزب توده و پذیرش ایدئولوژی، خط مشی و برنامه آن خط اپورتونیسیم (رفرمیسم) خطر عمده ای برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران است. وظیفه همه مارکسیست - لنینیست های انقلابی است که مبارزه ای پیگیر و بیامان را بر علیه این انحراف آغاز کنند و آنرا در سطح جنبش افشاء نمایند.

اپورتونیسیم راست امروز می کوشد که بر اساس برخورد به مسئله حاکمیت مخالفین خود را "آنتارشیست" "ما جراجو" و "چپ رو" بخواند. استدلال آنها چنین است، هر کس که حاکمیت را ملی و خلقی بداند (بخوان سیاست سازش طبقاتی

راپیشه سازد) دارای خط مشی اصولی مارکسیست لنینیستی است و هر آنکس که حاکمیت را ضد خلقی بشناسد "آوانتوریست" "چپ رو" و دشمن مارکسیسم - لنینیسم است. اما این اولین بار نیست که سازشکاران و آستان بوسان درگاه بورژوازی بقیه در صفحه ۷

● همراه با قیام بخشهای وسیعی از روشنفکران به امید پیروزیهای نخستین به سازمانها و گروههای کمونیستی بویژه سازمان ما پیوستند. اما امروز هر آنچه شرایط دشوار تر می شود و هر چه ضد انقلاب سلطه خود را بیشتر مستقر می سازد، گرایشات راست و محافظه کارانه آنها بیش از پیش خود را نشان می دهد.

و آگاهی مارکسیستی توجه داشته باشیم به نظر میرسد که زمینه های عینی بروز رشده انحرافات را بطور کلی بازگو کرده باشیم. درین میان باید به دو عامل دیگر نیز توجه داشت که از اهمیت ویژه ای برخوردارند، یکی ریشه های تاریخی اپورتونیسیم راست است

اینست که در هر کشوری بورژوازی ضرورتاً "دو سیستم حکومتی، دو روش مبارزه بخاطر حفظ منافع و سلطه خود به کار می گیرد و این دوروش گاهی جایگزین یکدیگر می شود و گاهی به نسبت های مختلف درهم بافته می شوند اولین این دو روش قهرو زور است.. دومین روش لیبرالیسم

و نمونه های کافی موجود است. در گذشته تا کتیک سرکوب و اختناق و توسل بشیوه قهر آمیز حکومتی از جانب طبقه حاکم یکی از عواملی بود که چپ روی را در جنبش پدید آورد و ما تجلی آنرا در پریها دادن به نقش دیکتاتوری، کم به دادن به وضعیت عینی موجود، چگونگی اتخاذ تاکتیکها و...

● اپورتونیسیم راست امروز می کوشد، با انگشت گذاشتن بر نقاط ضعف و چپ رویهای گذشته سازمان خط مشی رفرمیستی خود را توجیه کند، و به بهانه مبارزه با چپ رویهای گذشته، خط مشی اپورتونیسیتی خود را به نام خط انقلابی جایزند.

که به مثابه یک جریان رفرمیستی سیستم شده در جامعه ما عمل می کند و یکی از منافع تغذیه اپورتونیسیتها "نوپا" محسوب میشود و دیگری چپ رویهای سازمان در گذشته است، اپورتونیسیم راست امروز می کوشد، با انگشت گذاشتن بر نقاط ضعف و چپ رویهای گذشته سازمان خط مشی رفرمیستی

است. (اختلافات در جنبش کارگری اروپا - لنین) لنین سپس نتیجه میگیرد که یک جهت تغییر تاکتیکهای بورژوازی می تواند آنتارشیسم در جنبش کارگری و جهت دیگر آن به رفرمیسم ختم شود. حال اگر آنچه که تا کنون در مورد زمینه های عینی بروز انحرافات

دیدیم، و امروز نیز تغییر تاکتیکهای هیئت حاکمه که در پاره ای موارد تلاش می کند که بشیوه های با صطلاح لیبرالی، سازمانهای کمونیستی را بدنبال خود بکشاند، انحراف تراست را پدید آورده است. لنین در مورد تغییر تاکتیکهای بورژوازی و تاثیر آن بر انحرافات

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سازش طبقاتی

(اپورتونسم، رفرمیسم) است. مقدمتاً حملاتی که در زیر می آید توجه کنید:

"اما اینرا هم نباید نادیده گرفت که عناصر آگاه طبقاتی بورژوازی که منافع آتی سرمایه داری را در خطر می بینند کوشش می کنند تا کارگران را از مسیر مبارزه طبقاتی منحرف کنند و آنان را به راه سازش طبقاتی سوق دهند."

فکر میکنند که این حملات دهاست و علمی از کج نقل شده است. تعجب نکند از روزنامه "اتحاد" شماره ۳۲، سی ام مهرماه ۵۸. "بلدرو روزنامه اتحاد با طرح این مسئله یکی از اساسی ترین احزاب جنبش کارگری راریشه سازی کرده است و سابق داده است که تبلیغ سازش طبقاتی (رفرمیسم) باسی از ... خود ایدئولوژی بورژوازی در جنبش کارگریست ..."

روزنامه "اتحاد" حاضر طرح وارائه این احزاب بحق قابل ستایش است و منشا "بهمین مدار هم جنبش کارگری را مدون خود کرده است اما!

(و نکته اساسی بعینش کننده در همین است) اما با قاطعیت تمام میوان گفت که ...

بوسندگان روزنامه "اتحاد"

بقیه از صفحه ۱

این کارآموزان مکتب حزب توده ایران خود در "منجلاب" رفرمیسم فرورفته اند.

برای آنکه حکمی بدون دلیل صادر نکرده باشیم، آنرا فعلاً در مورد "شورا" مستند می سازیم:

الف - شورا، روزنامه اتحاد که بلافاصله پس از قیام و تنها با الهام از رهنمودهای حزب توده سراز خاک بر میدارد (۱۲ اسفند ماه ۵۷) و هنوز بی به رسالت تاریخی خود در به انحراف کشاندن جنبش کارگری نبرده است، در اولین شماره خود با طرح شعار "تشکیل شوراهای کارگری در هر واحد تولیدی و ایجاد شورای مرکزی کارگران ضرورت فوری زمان است" گامی کوچک در مسیر درک ضرورت زمان بر میدارد. واضح است که این گام در سطح باقی میماند زیرا بلافاصله و هنوز که جوهر این جملات خشک نشده است می نویسد: "این شوراهای ... که مخالفت و مقابله با اعمال قدرت از جانب دولت انقلابی ندارد بلکه می تواند پایه های محکم قدرت دولت انقلابی باشند."

زودی نویسندگان روزنامه

بخود آمده، بر سالت تاریخی و مسئولیت (!) خود در به انحراف کشاندن جنبش کارگری بی برده و بدون انتقاد از خود (که از جمله سنن تاریخی (!) حزب توده است) شعار زیر صفحه را عوض کرده و جای آنرا با شعار "پیش سوی ایحاد سندیکاهای واقعی کارگری" بر می کنند. بورژوازی که احتمالاً (!) در روزهای اول بعد از قیام در این روزنامه ضرباتی خورده بود، بمرور نفوذ خود را افزایش میدهد و نظرات خود را تا بدان حد جامی اندازد که در شماره ۲۲ (۵۸/۵/۱۵) بجای استفاده از خود (چه انتظار خامی؟! با حملات تند و تیزی به "چپ نماها" "پیرایه های" "اندیشه پرولتاری را از خود میزداید و می نویسد: "چهار ماه پیش که هنوز عرق انقلابیون از هجوم بر دژ انقلاب خشک نشده بود، این چپ نماهای کاتولیک ترازیپا فریاد می زدند که کارخانه ملک کارگران است و باید کارگران اداره آنرا خود بدست گیرند ... آگاهی طبقاتی کارگران (بحوان نفوذ آگاهی طبقاتی بورژوازی) سبب شد که بتدریج صداها خاموش شود."

اما مبارزه طبقاتی راه خود را رفت و غیبت تشکل کارگران در شوراهای اعمال قدرت، حداقل بصورت اداره و کنترل کارخانه، "اتحاد" نویسان را وامی دارد که "دستاورد انقلاب را" بیدرند: "بعد از سرنگونی رژیم طاغوتی، طبقه کارگر در برابر وظیفه جدیدی قرار گرفت یعنی بکار انداختن کارخانه، برای اداره امور کارخانه لازم نبود سازمانی بوجود آید و بهمین منظور شوراهای بوجود آمدند،

در حقیقت شوراهای دستاورد انقلاب است" (اتحاد شماره ۳۲ - ۵۸/۷/۳۰) در حقیقت بورژوازی که هوارا پس می بیند و در می یابد که توده ها و بالاخص پرولتاریا سازمان توده بی مبارزه سیاسی و اقتصادی خود را باز یافته است و در جهت تقویت و تحکیم آن پیش می رود ترسان از چنین پیشرفتی در جهت قانونیت بخشیدن بدان گام بر میدارد تا بدین وسیله بتواند آن را مهار بزند و در چهارچوب تنگ قانون اساسی آن را مجبوس سازد و میسازد.

ازین بعد مبلغان و ایدئولوگهای بورژوا با تمام قوای کوشند تا این ایده را تبلیغ کنند. روزنامه اتحاد نیز می کوشد رسالت تاریخی خود (گسترش ایدئولوژی بورژوازی) را یکمال انجام دهد. در شماره سی ام (۱۶ مهرماه) نوشته میشود: "همچنانکه در قانون اساسی آمده است شورا اداره امور با شرکت مردم را بعهده دارد. "و در "پایان سخن" همان مقاله نتیجه می گیرد که: "آنچه امروز در کارخانه ها شورانا میده میشود معجونی است سردرگم کنی توان بدان نام سندیکاد یعنی سازمان مستقل کارگری و نه شورا بعنوان سازمان شرکت در مدیریت. و بالاخره "اتحاد" نویسان در جهت بی محتوا کردن ایده شورا آنچنان پیش میروند که به نفع کارفرمایان تبلیغ می کنند و می نویسند: برای آنکه کارگران باتمام وجود و دلسوزی کاری بکار تن دهند، لازم است روش مدیریت رانه تنها درست و منطقی بدانند بلکه آنرا منطبق

با منافع خویش تشخیص دهند، که بهترین راه آن تحقق مشارکت کارگران در مدیریت است. این مشارکت بدینصورت امکان پذیر است که نماینده بی از طرف سازمان واقعی کارگران همان واحد تولیدی (یعنی انجمن صنفی سندیکا) همچنین نماینده ای از طرف کارمندان همان موسسه با تفاق نمایندند. مدیر کارخانه در شورایی که به امور کارخانه میبازداند، شرکت نمایند. هدف این شورا پیشبرد کار تولیدی است که از طریق ایجاد هماهنگی مدیریت، پرسنل و کارگران فراهم می شود."

آنچه تا کنون در مورد ایده شورا از دیدگاه رفرمیستی و بورژواشی روزنامه "اتحاد" آمده است حقیقت تحقق و پیاده کردن مانی شوریک است که تئوریسین های حزب توده ایران تدوین کرده اند. ما برای نمایش کاملترین انحراف در عملکرد روزمره و موضع گیری روزانه، توجه خود را به روزنامه کارگری (!) حزب توده معطوف داشتیم و بخاطر پرهیز از تکرار ایده ها را در "مردم" نشان ندادیم. کاری که بسیار سهل الوصول است و کافی است ساعتی روزنامه "مردم" ارگان کمیته مرکزی (!) حزب توده ورق زده شود تا همینه این گفته ها از مقالات و اخبار و گزارشات روزنامه استخراج شود. و مثلاً "بهترین نمونه در این مورد مقاله شورایی سندیکا" در اولین شماره دوره بعد از امتیاز گرفتن است یا مثلاً "مقاله" توجه به خواسته های طبقه کارگر و وظیفه نخستین دولت منتخب شورای

بقیه در صفحه ۷

نبرد خلق

ارگان تئوریک - سیاسی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

منتشر می شود

سر کوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



سازش طبقاتی

بقیه از صفحه ۶

نماهای فریبکارمیان مردم میفرستند، مبارزات مردم سمت

مستعمرونه سرمایه‌داری وابسته در قدرت است، و بعنوان لازمه تحقق انقلاب به لزوم کمک بکارگران حتی از طریق اعتصاب تاکید کرده و میگوید:

اختلافات تا کتیکتی اصلی در جنبش کارگری کنونی اروپا و آمریکا را میتوان به مبارزه علیه دو گرایش بزرگ منحرف شده از مارکسیسم - که در حقیقت تئوری مسلط این جنبش است - خلاصه کرد. این دو گرایش رویزیونیسم (اپورتونیسیم، رفرمیسم) و آنارشیسم (آنارکوسندیکا لیسم، آنارکوسوسیالیسم) می‌باشد ولی این انحراف از تئوری و تاکتیک مارکسیستی که در جنبش کارگری مسلط است، به اشکال مختلف و در زوایای گوناگون در همه کشورهای متمدن و در خلال بیش از نیم قرن تا ریخ جنبش کارگری توده‌ای دیده می‌شود.

(۱۶ مجموعه آثار ص ۳۴۷)

میدهند (لغت خدا بر این سمت دهندگان مبارزات توده‌ها باد!) توجه می‌کنید که از نظر حزب توده وظیفه پیشروان طبقه کارگر، سازماندهی حرکات و اعتراضات کارگران نمی‌باشد، بلکه وظیفه و رسالت تاریخی "حزب طراز نوین طبقه کارگر" (۱) سپردن رهبری مبارزه طبقه کارگر بدست بورژوازی و خرده بورژوازی است. آنرا بلطف بورژوازی امیدوار کردن! و به پیروی از آن کشانیدن، و برای اینکار هم نیازی به سازماندهی و سمت انقلابی دادن بمبارزات مردم نیست.

تنها برای آنکه مقایسه‌ی بین موضع تبلیغ و سازش طبقاتی حزب توده و موضع اصولی مارکسیسم - لنینیسم انقلابی صورت گرفته باشد، توجه خوانندگان را به رهنمودهای استالین کبیر معطوف می‌کنیم، و شرایط خاص چین در دورانی که حزب انقلابی کومین تانگ در اتحاد با کمونیستها در جامعه‌ی نیمه فئودال نیمه

انقلاب است. در شماره "مردم" قابل توجه است: اولاً اصل شوراها و سندیکا که هر دو موصوبه مجلس خبرگان است، از وظایف مبرم وزیر جدید کار و امور اجتماعی است و باید محلهای لازم را برای ایجاد شوراهای واقعی (!) فراهم کند.

مادر اینجا خواهیم کوشید با اشاراتی مختصر و موجز مبانی تئوریک این انحراف را از روزنامه مردم بیرون بکشیم. هدف مادر اینجا نشان دادن رفرمیسم حزب توده است (که هدفش حفظ فعالیت علنی بی‌پایان می‌باشد) که از مبارزه طبقاتی پرولتاریا و دیگر اقشار و طبقات خلق هراسان و گریزان است و به اقدامات انقلابی (!) حاکمیت سیاسی دل بسته است. بعبارت دیگر توده‌ها اعتماد ندارد و تغییر و تحولات را بشکلی اصلاحاتی از "بالایی‌ها" میخواند.

روزنامه "مردم" در شماره ۹۹ پنجشنبه اول آذرماه خود "اعلامیه کمیته مرکزی حزب ... " را چاپ کرده است. درین اعلامیه موضع طبقاتی آن بروشنی نمایان می‌شود:

"کارگران و دهقانان باید در شرایط مشخص کنونی حتی المقدور از حربه اعتصاب و تحصن استفاده نکنند و اشکال دیگری از مبارزه برای تحقق خواستهای برحق خود برگزینند... ضمناً" معتقدیم که شرایط کنونی، استفاده از این حق (اعتصاب) را محدود می‌کند (!) ... امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی با جدیت مشغول بکارند، عوامل خود را در لباس چپ

تحریک را از دشمن بگیرند و بازوی رنج و زحمت خویش را در خدمت تحقق اهداف مقدس انقلاب بگذارند. ضمناً" ما توجه دولت منتخب شورای انقلاب را به توجه اساسی به خواستهای کارگران و دهقانان جلب می‌کنیم تا امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی نتوانند از این وضع سوء استفاده کنند. اگر دولت برنامه درازمدت منظمی برای غلبه بر این مشکلات تدوین کند کارگران و دهقانان میتوانند باز هم از خود بردباری نشان دهند.

همچنین "مردم" در شماره ۱۴۴ (۲۶ دیماه ۵۸) تحت عنوان "بوضع کارگران اخراجی رسیدگی کنید" چنین آمده است: "ولی در حال

حاضر وزارت کار با یستی دفاع از منافع کارگران را بطور پیگیر و جبهه همت خود قرار دهد و از بازوی نیرومندان انقلاب با تأمین کار و زندگی شرافتمندانه برای آنان پاسداری کند. "که انشاء الله وزارت کار دفاع از منافع کارگران را بطور پیگیر و جبهه همت خود قرار خواهد داد و بازو زحمت و فشار مبارزه را از دوش این حزب "طراز نوین" طبقه کارگر بر خواهد داشت و با اجرای اصلاحاتی، وزارت کار این "نهاد اساسی جمهوری انقلابی ایران" (مردم شماره ۱۴۲) راه را برای گذار "سوسیالیسم" (!) آماده خواهد ساخت.



اپورتونیسیم راست

بقیه از صفحه ۵
به چنین آنها مائستی متوسل می‌شوند. آیا کاتوستکی، پلخانف و شرکای دیگر آنها نیز همین آنها مات را به کمونیستهای انقلابی وارد ساختند؟ آیا آنها لنین را "ژاکوبینیست" و "آوانتوریست" و "انارشئیست" نمی‌خواندند؟ آیا جنبش کمونیستی تا کنون در سهای آموزنده ای در این زمینه بما

نداده است؟
بهر حال آنچه که ما تا کنون در مورد خطر راست و عمده بودن آن ذکر کردیم، بمعنای چشم پوشی از انحرافات دیگر بخصوص چپ روی پاره‌ای از نیروها در شرایط کنونی نیست، مبارزه باید علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم ادامه یابد. اما خطر عمده را باید در نظر داشت و لبه تیز حملات باید متوجه اپورتونیسیم راست باشد.

قابل توجه هواداران!

چون اخیراً "کتب و جزواتی (به دلایل گوناگون) به نام نظرات "اقلیت" به هواداران معرفی شده است، بدین وسیله اعلام میداریم که نظرات ما فقط به صورت کتب و نشریات رسمی سازمان منتشر میشود.



نمونه‌ای از برخورد های " کمیته مرکزی "

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۶۱ - صفحه ۱ ضمیمه

ضمیمه موضوع سازمان درباره " اقلیت "

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۶۱ - صفحه ۱ ضمیمه

موضوع " اکثریت " درباره " اقلیت "

سازمان و مساله " اقلیت "

" اکثریت " و مساله " اقلیت "

اکنون سازمان موافقت کرده است که نظرات " اقلیت " در باره " مبارزه ایدئولوژیک علیه " و " ماهیت و ترکیب دولت " و " در نشریه کار ارگان سراسری سازمان به صورت ضمیمه انتشار یابد. دلالت این کار بر اهمیت سازمان بر این مساله است.

سازمان در ذهن انبوه هواداران است. حاکی از آن است که انتشار نظرات نشریه کار به صورت ضمیمه و با این شرایط مشخص بهتر از آن خط فاصل‌های اصولی است.

اکنون سازمان موافقت کرده است که نظرات " اقلیت " در باره " مبارزه ایدئولوژیک علیه " و " ماهیت و ترکیب دولت " و " در نشریه کار ارگان سراسری سازمان به صورت ضمیمه انتشار یابد. دلالت این کار بر اهمیت سازمان بر این مساله است.

اکثریت در ذهن انبوه هواداران است. حاکی از آن است که انتشار نظرات نشریه کار به صورت ضمیمه و با این شرایط مشخص بهتر از آن خط فاصل‌های اصولی است.

شیوه‌های توسل به دروغ، تحریف حقایق و فریب توده‌ها، از شیوه‌های شناخته شده اپورتونیست‌هاست و اپورتونیست‌های " کمیته مرکزی " نیز که امروز بیش از پیش در سطح جنبش افشامی شوند شیوه تحریف حقایق را برگزیده - اند. تا از این طریق با ایجاد اغتشاش و سردرگمی توده‌ها را فریب دهند. از جمله آنها در سطح جنبش شایع کرده‌اند که علی‌رغم اینکه " مبارزه " ایدئولوژیک علیه " را در زمینه کار پذیرفتیم، تا این وجود اقلیت دست به انتشار کار زد، ما لازم می‌دانیم که برای روشن نمودن حقایق شیوه‌های فرمت طلبانه مرکزیت را با ارائه اسناد افشا کنیم.

" کمیته مرکزی " در ضمیمه کار ۶۱ مقاله‌ای تحت عنوان " سازمان و مساله اقلیت " منتشر ساخت که اولاً مضمون این مقاله برخلاف خرافات فکلی حول مسائل میرم جنبش بویژه مساله محوری مورداختلاف یعنی حاکمیت نبود. ثانیا از آنجا که توافق شده بود در " کار " تنها موضع گیری های سیاسی و تبلیغی بنام سازمان صورت گیرد و در ضمیمه مقالات با امضای اقلیت و اکثریت منتشر شود. آنها برخلاف این توافق از خود بعنوان سازمان یاد کرده بودند، طبیعی بود که نقض توافق های صورت گرفته در مورد مضمون و چگونگی انتشار مقالات نمیتوانست

مورد تأیید ما باشد. بنا بر این ماطبق نامه‌ای که به مرکزیت نوشته بودیم و علی‌رغم تمدید مدت آن بمدت ۱۵ روز که هدنی جز دستیابی به یک توافق در زمینه مبارزه ایدئولوژیک علیه " مشترک نداشت " کارویژه مسائل حاد و میرم جنبش " را منتشر کردیم. اما کمیته مرکزی بمنظور تیرنه و برحق جلوه دادن خویش، پس از انتشار کارویژه مسائل حاد و میرم جنبش، از سوی ما، به شیوه های فرصت طلبانه متوسل شد و نسخه‌های منتشر شده کار ۶۱ را که در آن مقاله‌ای با عنوان " سازمان و مساله اقلیت " منتشر شده بود جمع آوری کرد و در چاپ دوم همان مقاله را بنام " اکثریت و مساله اقلیت " منتشر ساخت، ما در اینجا، کلیشه و نمونه تیرهای تغییر یافته کار ۶۱ کمیته مرکزی را می‌آوریم تا بر همه آشکار شود که هدف " کمیته مرکزی " از تغییر تیر مقاله چیزی جز توسل به تحریف حقایق و دروغ علیه اقلیت نبوده است و اعلام انشعاب آنها نیز که بدون هرگونه بحث و مذاکره طی اطلاعیه‌ای صورت گرفت نیز نشان می‌دهد که از همان آغاز هدفی جز انشعاب نداشتند و تغییر تیر مقاله نیز در این رابطه صورت گرفت.

ما با توجه به موضع غیر اصولی آنان و ضرورت اعلام نظرات خویش به انتشار کله هویزه مسائل حاد و میرم جنبش اقدام نمودیم.

انها پس از غنی شدن مبارزه ایدئولوژیک توسط ما به شیوه فرصت طلبانه‌ای به جمع آوری نسخه‌های " کله " پرداختند و سپس با تغییر تیر نوشته خود به نام اکثریت اما با همان محتوی دست به انتشار مجدد آن زدند و با جمل و جنجال اقلیت را متهم به انشعاب مطلق کردند و بدینال آن چند روز بعد در تاریخ ۵۹/۳/۲۱ بدون هیچگونه بحث و مذاکره‌ای اعلام انشعاب نمودند.

به اعتقاد ما کسانی که بهوض مثنی مستقل پروتیری با درپیش گرفتن سیاست سازش با بورژوازی، با گرویدن به مبارکیم عملی و زیر پا گذاشتن کلیه سن مبارزاتی سازمان ما راه حزب توده را برگزیدند و ضوابط و معیارهای تشکیلاتی را زیر پا گذاشته‌اند صلاحیت و شایستگی آنها ندارند که نام سازمان به تبلیغ نظرات انحرافی خویش بپردازند. در مقابل ما خود را محق می‌دانیم که پس از اعلام انشعاب حجاج اپورتونیست مبارزه خود را این بار با هویت مستقل، با نام سازمان ادامه دهیم.

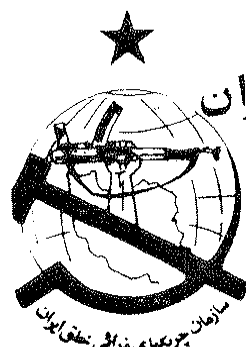
ایمان داریم درپیش گرفتن خط مثنی انقلابی و اتکاء به طبقه کارگر و زحمتکشان میهن، حقیقت نظریات ما را در عمل به اثبات خواهد رساند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پنج شنبه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۹

بیانیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دوباره

اطلاعیه اخیر " اکثریت کمیته مرکزی "



جناح اپورتونیست سازمان به رهبری " کمیته مرکزی " که از مدتها پیش با روی گردانیدن از مبارکیم - نسیم انقلابی، کام به کام به مواج اپورتونیستی حزب توده نزدیک شده و تحت پوشش مبارزه مدا میربا لیبستی به ورطه سیاست جاهلوسی از سروروازی سقوط کرده بود، طی اطلاعیه‌ای " ملامت خود را از ما جدا نموده است.

مذاکرات پنهانی " کمیته مرکزی " با ارتکارها عنای مری نظیر " بنی صدر " و " بهشتی " و تا " شید بهشتیان " کالمشان از رژیم جمهوری اسلامی، به منظور کسب اجازه و ممانعت علیه وقتا نونی کردن " نشریه کار " (بمنی چیری) که بدون سازش کامل با بورژوازی و ترک مواج انقلابی تحقق پذیر نیست (ارتباط مداوم آنها با همراگان حاشین حزب توده، در امور سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی که مدتها جریان داشته است، اتحاد مواج " میربا " راست در ارگان سراسری سازمان (از کار شماره ۵۹ به بعد) یعنی انطباق کامل با مواج حزب توده، به تنها موردنا شیدما (اقلیت سازمانی) نبود، بلکه مسووبه بهشتیانی هیچک از امضای مدیق و انقلابی سازمان نمیتوانست فرارگیرد.

چنین اقداماتی از طرف " کمیته مرکزی " که تا نقض کامل اصل ما انتشار نسیم دموکراتیک و بدون تا " شد و حتی در مواردی اطلاع توده‌های سازمانی انجام میگرفت ما را بر آن داشت تا یکس قاطبیت بسنتری، برای مقابله با اپورتونیسم، بر انتشار سریع نظریات و مواج خویش تا " کند و دریم، بهیمن جهت با هرگونه تملقی را در این زمینه بمنشابه غریبه سنگینی بر یک جنبش که بهیمن میدان دادن به اپورتونیسم راست می‌دانستیم.

اگرچه ارتکار ماجداتی دوخط مثنی انقلابی و اپورتونیستی امری حتمی و اجتناب ناپذیر بود، با توجه به این واقعیتکه هنوز بسیار با هواداران آگاه‌های کافی نسبت به مسائل مورداختلاف نداشتند، مبارزه ایدئولوژیک علیه " را برای ایجاد مبنای اصولی و شمایز قابل اختلافات سیاسی - ایدئولوژی ضروری دانسته و از همین روز، علی‌رغم سنگ اندازیهای " کمیته مرکزی " بنیادگرایان (حدود یکماه) تن دادیم تا شاید آ را بپذیرند.

" کمیته مرکزی " که در آغاز مذاکرات، بهرامون " خجای اقلیت، مطالب هرگونه مبارزه ایدئولوژیک علیه " بود، در نتیجه با فشاری بیشترین هو ای سازمانی و قاطبیت ما، قدم به قدم مجبور به عقب نشینی شد و مبارزه ایدئولوژیک علیه " را در قبول گردولی در عمل به انحصار متضلف به نسی آن پرداخت. آخرین اقدام آنان در این راه، نقض قرارهتسای مورد توافق قبلی درباره " چگونگی مثنی شدیم مبارزه ایدئولوژیک بود.

حقیقتی که مقالات اقلیت برای انتشار رسیده‌اند، روشنه با تصحیح نسخه عدم که بسنتر خجای میربا لیبستی در مبارزه مضمون و چگونگی مثنی ایدئولوژیک عمل کرده و از تجربه بنام سازمان یاد کرده بودند.

پیش بسوی تشکیل همزب طبقه کارگر